



انجمن علمی فقه جرای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق جرای بین الملل

Volume 3, Issue 4, 2025

## Comparative Study of the Conditions and Cases of Unlawful Detention in the Legal Systems of Iran, the United States of America and France

Ali Asghar Awazpoor Koushek<sup>1</sup>, Seyed Ali Rabbani Mousaviyan<sup>\*2</sup>

1. Ph.D Student, Department of Fiqh and Islamic Law, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

2. Associate Professor, Department of Fiqh and Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

### ARTICLE INFORMATION

*Type of Article:*

**Original Research**

**Pages: 15-31**

*Corresponding Author's Info*

**ORCID:** 0000-0002-5154-2235

**TELL:** +989122905199

**Email:** -----

*Article history:*

**Received:** 10 Apr 2025

**Revised:** 17 Jun 2025

**Accepted:** 28 Jul 2025

**Published online:** 22 Dec 2025

*Keywords:*

*Unlawful Detention,  
Detention of Innocent  
Individuals, Iran, United  
States, France, Fair Trial.*

### ABSTRACT

Unlawful detention constitutes a violation of fundamental individual freedoms and differs from the detention of innocent individuals; unlawful detention involves a clear breach of laws and regulations, whereas the detention of innocent persons typically results from errors or insufficient evidence. This study aims to comparatively examine the conditions and cases of unlawful detention in the legal systems of Iran, the United States, France and to analyze the protective mechanisms in each country. The research employs a descriptive-analytical method, focusing on legal provisions including Article 57 of the Iranian Code of Criminal Procedure and Article 32 of the Constitution of Iran, the Fourth and Fourteenth Amendments of the U.S. Constitution and the right to a judicial review for release from unlawful detention, as well as Articles 6 and 7 of the European Convention on Human Rights and Articles 144 to 147 of the French Penal Code. The findings indicate that in Iran, restrictions on detention without judicial order and the establishment of legal conditions has significantly reduced the occurrence of unlawful detention, though ambiguities remain in protecting citizens against the detention of innocent individuals due to insufficient evidence. In the United States, judicial oversight and the right to judicial review provide an effective protective framework, while in France, the combination of domestic regulations and the European Convention guarantees lawful detention and the possibility of compensation. The study concludes that establishing effective legal and criminal safeguards against unlawful detention in Iran, alongside a clear distinction between unlawful detention and the detention of innocent individuals, can enhance Iran's approach to protecting individual freedom.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

**How to Cite This Article:** Awazpoor Koushek, AA & Rabbani Mousaviyan, S.A (2025). "Comparative Study of the Conditions and Cases of Unlawful Detention in the Legal Systems of Iran, the United States of America and France". *Journal of International Criminal Law*, 3(4): 15-31.



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران

# فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

## بررسی تطبیقی شرایط و موارد بازداشت غیرقانونی در نظام‌های حقوقی ایران، ایالات متحده آمریکا و فرانسه

علی اصغر عوض پور کوشک<sup>۱</sup>، سید علی ربانی موسویان<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۲. دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

### چکیده

بازداشت غیرقانونی نقض حقوق بنیادین آزادی فردی است و با بازداشت افراد بی‌گناه تفاوت دارد؛ بازداشت غیرقانونی شامل نقض صریح قوانین و مقررات است، درحالی‌که بازداشت افراد بی‌گناه معمولاً ناشی از خطا یا نقص شواهد است. هدف این پژوهش بررسی تطبیقی شرایط و موارد بازداشت غیرقانونی در نظام‌های حقوقی ایران، ایالات متحده آمریکا، فرانسه و تحلیل سازوکارهای حفاظتی هر کشور است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و به تحلیل قوانین و مقررات، از جمله ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری و اصل ۳۲ قانون اساسی ایران، متمم چهارم و متمم چهاردهم قانون اساسی آمریکا و حق دادرسی برای آزادی از بازداشت غیرقانونی و همچنین مواد ۶ و ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مواد ۱۴۴ تا ۱۴۷ قانون کیفری فرانسه پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در ایران، محدودیت بازداشت‌های بدون حکم قضایی و تعیین شرایط قانونی، امکان بازداشت غیرقانونی را به شدت کاهش داده است، اما همچنان در زمینه تضمین حقوق شهروندان در برابر بازداشت افراد بی‌گناه به دلیل نقص شواهد، ابهاماتی است. در آمریکا، نظارت قضایی و امکان استفاده از حق دادرسی برای آزادی از بازداشت غیرقانونی چهارچوب حفاظتی مؤثری ایجاد کرده و در فرانسه نیز ترکیب مقررات داخلی و کنوانسیون اروپایی، تضمین‌کننده آزادی قانونی و امکان جبران خسارت است. نتیجه‌گیری پژوهش نشان می‌دهد که تعیین ضمانت اجرایی کیفری و حقوقی مؤثر در برابر بازداشت‌های غیرقانونی در نظام حقوقی ایران و تمیز دقیق موارد بازداشت غیرقانونی از بازداشت افراد بی‌گناه می‌تواند رویکرد نظام حقوقی ایران در برابر بازداشت غیرقانونی را ارتقا بخشد.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵-۳۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۲۲۳۵-۵۱۵۴-۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۲۹۰۵۱۹۹

ایمیل: -----

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

بازداشت غیرقانونی، بازداشت افراد بی‌گناه، ایران، ایالات متحده، فرانسه، دادرسی عادلانه.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

بازداشت غیرقانونی یکی از موضوعات بسیار مهم در حقوق کیفری و مدنی است که پیامدهای گسترده‌ای بر آزادی فرد، رعایت حقوق بشر و مشروعیت نظام قضایی دارد. پرداختن به این موضوع اهمیت دارد، زیرا بازداشت بدون رعایت تشریفات قانونی می‌تواند موجب تضییع حقوق شهروندان، ایجاد آسیب‌های روانی و اجتماعی و مسؤولیت مدنی و کیفری برای مقامات قضایی و اجرایی شود (گل‌محمدی تولابی، ۱۴۰۱). بررسی شرایط و موارد بازداشت غیرقانونی، از جمله ضرورت وجود دلایل کافی برای بازداشت، رعایت دستور مقام قضایی، محدودیت زمانی بازداشت و نظارت قضایی بر آن، به‌عنوان محور اصلی این مقاله مطرح می‌شود. در قوانین ایران، اصول ۳۲ و ۳۹ قانون اساسی و مقررات آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی چهارچوب حقوقی بازداشت قانونی و غیرقانونی و ضمانت اجرای آن را مشخص کرده‌اند و اهمیت رعایت این چهارچوب برای جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان و فراهم‌کردن امکان جبران خسارت ناشی از اقدامات غیرقانونی مقامات به‌وضوح دیده می‌شود.

در نظام حقوقی فرانسه، دیوان عالی کشور بارها تأکید کرده است که بازداشت افراد تنها در صورتی مشروع است که دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود داشته باشد و هرگونه تخطی از این شرایط، شامل بازداشت بدون دستور قضایی یا طولانی‌شدن زمان بازداشت، موجب بی‌اعتباری بازداشت و نقض حقوق فرد می‌شود. همچنین دیوان عالی فرانسه، در رویه قضایی خود موارد متعددی را مشخص کرده که در آن عدم رعایت تشریفات قانونی بازداشت موجب نقض حقوق فرد و امکان مطالبه جبران خسارت می‌گردد (Charret-Del Bove & Mourion, 2014).

در نظام حقوقی کامن‌لا و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، دیوان عالی فدرال نیز با صدور آرایه‌هایی مانند Gerstein v. Pugh (۱۹۷۵)، Dunaway v. New York (۱۹۷۹) و Manuel v. City of Joliet (۲۰۱۷) معیارهای روشن برای مشروعیت بازداشت پیش‌دادرسی تعیین کرده و بازداشت بدون دلیل

موجه و بدون نظارت قضایی را ناقض متمم چهارم قانون اساسی دانسته است. این آرای قضایی نشان می‌دهد که در حقوق آمریکا، محدودیت‌های زمانی، ضرورت بررسی دلایل بازداشت توسط مرجع قضایی و حفظ حقوق شهروندان، از جمله اصول بنیادین جلوگیری از بازداشت غیرقانونی محسوب می‌شوند (Kanovitz et al, 2024).

باتوجه به اهمیت اجتماعی، حقوقی و انسانی موضوع، این مقاله بازداشت غیرقانونی را در سه نظام حقوقی ایران، ایالات متحده و فرانسه مورد بررسی تطبیقی قرار می‌دهد تا شرایط، موارد و پیامدهای آن به‌طور کامل روشن شود. هدف از این بررسی، تحلیل چهارچوب‌های قانونی، رویه قضایی و ضمانت اجرای حقوقی در هر نظام است تا امکان درک تفاوت‌ها و شباهت‌ها، ارتقای دادرسی منصفانه و حفاظت از حقوق شهروندان فراهم گردد و اهمیت رعایت حقوق فردی در فرآیندهای قضایی بیش از پیش مشخص شود.

## ۱- مفهوم بازداشت غیرقانونی و تفکیک آن از مفاهیم مشابه در نظام‌های حقوقی ایران، ایالات متحده آمریکا و فرانسه با تأکید بر تمایزها و تشابهات

### ۱-۱- در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، مفهوم بازداشت غیرقانونی به‌طور بنیادی به هرگونه اقدام برای توقیف یا محدودکردن آزادی فرد اشاره دارد که بدون رعایت تشریفات قانونی، دستور قضایی معتبر و اصول مقرر در قوانین و مقررات کشور انجام شود و منجر به نقض حقوق اساسی شهروندان گردد. این مفهوم یکی از ارکان اساسی حفاظت از آزادی فردی و رعایت حقوق بنیادین در نظام قضایی محسوب می‌شود و ارتباط مستقیم با اصل دادرسی منصفانه و تضمین عدالت قضایی دارد. بازداشت غیرقانونی نه‌تنها شامل اقداماتی است که به‌صراحت خلاف قانون باشند، بلکه مواردی را نیز دربر می‌گیرد که به‌دلیل نقص در تشریفات قانونی، تأخیر در ارائه پرونده به مرجع قضایی صالح، عدم رعایت حقوق دفاعی متهم یا سایر خطاهای اداری و قضایی، آزادی فرد محدود شده باشد (وطن‌دوست، ۱۳۹۹).

است: بعد اول، بعد شکلی و قانونی است که بر رعایت تشریفات قانونی، صدور حکم قضایی معتبر و محدودیت‌های قانونی بازداشت تأکید دارد؛ بعد دوم، بعد ماهوی و ماهیت جرم است که شامل بازداشت افراد بی‌گناه می‌شود و ناشی از خطا، نقص شواهد، قصور در تحقیقات یا تشخیص اشتباه جرم است.

در مجموع، بازداشت غیرقانونی در نظام حقوقی ایران به معنای هرگونه توقیف یا محدود کردن آزادی فرد بدون رعایت تشریفات قانونی و دستور قضایی معتبر است و شامل اقداماتی می‌شود که حقوق اساسی و آزادی‌های بنیادین فرد را نقض می‌کند. تمایز این مفهوم با بازداشت افراد بی‌گناه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا در این حالت، فرد بدون ارتکاب جرم یا با نقص شواهد بازداشت شده و آزادی او محدود می‌شود. شناخت و تبیین این مفاهیم مبنای لازم برای تدوین قوانین پیشگیرانه، تضمین دادرسی عادلانه و ارتقای کارآمدی نظام قضایی ایران فراهم می‌سازد.

## ۲-۱- در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، بازداشت غیرقانونی به معنای محدود کردن یا توقیف آزادی فرد بدون رعایت تضمین‌های قانونی و موازین دادرسی منصفانه است که توسط قانون اساسی و رویه قضایی ایالات متحده تعیین شده است. این مفهوم عمدتاً در چهارچوب متمم چهارم قانون اساسی که حفاظت در برابر بازداشت و جستجوی غیرمجاز را تضمین می‌کند و متمم چهاردهم که اصل برابری و حقوق بنیادین شهروندان را حمایت می‌نماید، مورد توجه قرار می‌گیرد. بازداشت غیرقانونی در این نظام شامل هرگونه توقیف فرد بدون صدور حکم قضایی معتبر، بدون دلیل معقول<sup>۲</sup> یا با نقض حقوق مربوط به دادرسی قضایی و حق درخواست بررسی دادگاه است.

در ایالات متحده، بازداشت غیرقانونی نه تنها شامل اقدام خودسرانه مقامات است، بلکه می‌تواند در قالب نقص در تشخیص شواهد، سوءاستفاده از اختیارات قانونی یا اعمال

قانون‌گذار ایران برای مشخص کردن حدود و ثغور بازداشت قانونی و بازداشت غیرقانونی، مقرراتی را در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون اساسی تدوین کرده است. به عنوان مثال، اصل ۳۲ قانون اساسی تصریح می‌کند که هیچ فردی نمی‌تواند بدون حکم قانونی بازداشت شود و بازداشت افراد باید با رعایت تشریفات قانونی و با نظارت مرجع قضایی صورت گیرد. ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز شرایط صدور قرار بازداشت و محدودیت‌های قانونی مربوط به آن را تعیین کرده است و بر ضرورت صدور دستور قضایی برای هر نوع بازداشت تأکید می‌کند. در این چهارچوب، هرگونه اقدام مأموران یا مقامات قضایی که خارج از این چهارچوب‌ها صورت گیرد، مصداق بارز بازداشت غیرقانونی تلقی می‌شود (کرامت، ۱۳۹۸).

یکی از جنبه‌های مهم در تعریف بازداشت غیرقانونی، تمایز آن با بازداشت افراد بی‌گناه است. بازداشت افراد بی‌گناه از بازداشت غیرقانونی متمایز است که در آن فرد به دلیل اشتباه، نقص در شواهد یا خطاهای قضایی، بدون ارتکاب جرم واقعی و قانونی بازداشت می‌شود. در این حالت، بازداشت از نظر قانونی ممکن است به ظاهر براساس دستور قضایی صادر شده باشد یا تشریفات قانونی رعایت شده باشد، اما ماهیت آن به دلیل اشتباه در تشخیص جرم یا بی‌گناهی فرد، غیرقانونی و نقض‌کننده حقوق او محسوب می‌گردد. این تمایز اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بازداشت غیرقانونی صرفاً به تخلف قانونی یا اقدام خودسرانه بازمی‌گردد، درحالی‌که بازداشت افراد بی‌گناه به ضعف در اجرای عدالت، نقص شواهد، خطاهای تحقیقاتی یا سوءتفاهمات قضایی مربوط است و درنهایت موجب تضییع حقوق شهروندان و کاهش اعتماد عمومی به نظام قضایی می‌شود (وطن‌دوست، ۱۳۹۹).

در تعریف مبسوط بازداشت غیرقانونی در نظام حقوقی ایران، می‌توان گفت که این مفهوم نه تنها شامل توقیف فیزیکی بدون حکم قضایی است، بلکه هرگونه محدودیت در آزادی فرد که منوط به اجرای قانونی نبوده یا اصول قانونی و تشریفات آیین دادرسی کیفری در آن رعایت نشده باشد، را دربر می‌گیرد. از این منظر، بازداشت غیرقانونی دارای دو بعد

1- Unlawful Detention

2- Probable Cause

بین‌المللی فرانسه را نقض کند. در فرانسه، نقش قاضی تحقیقات<sup>۱</sup> و مقامات قضایی در تأیید و نظارت بر بازداشت بسیار کلیدی است؛ بدون تأیید این مقام قضایی، هیچ بازداشتی نمی‌تواند مشروعیت قانونی داشته باشد. براساس مواد ۱۴۴ تا ۱۴۷ قانون کیفری فرانسه، هر بازداشت باید با دلیل موجه و طبق تشریفات قانونی انجام شود و متهم باید سریعاً به قاضی معرفی شده و از حق دسترسی به وکیل بهره‌مند گردد (Peers, 2016).

بازداشت غیرقانونی در فرانسه هم شامل توقیف بدون رعایت این شرایط است و هم شامل اقداماتی است که با تأخیر یا کوتاهی در ارائه پرونده به قاضی یا نقص در تشریفات قانونی منجر به محدودشدن غیرموجه آزادی فرد شود. نکته متمایز در فرانسه این است که سیستم قضایی، هم قوانین داخلی و هم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (مواد ۶ و ۷) را به طور هم‌زمان برای تعیین مشروعیت بازداشت لحاظ می‌کند. بنابراین مشروعیت بازداشت نه تنها از منظر داخلی، بلکه از منظر تعهدات بین‌المللی نیز بررسی می‌شود.

بازداشت افراد بی‌گناه در فرانسه نیز به‌عنوان شکل خاصی از بازداشت غیرقانونی تعریف می‌شود. این حالت زمانی رخ می‌دهد که فردی بدون ارتکاب جرم یا با شواهد ناکافی بازداشت شده و آزادی او محدود گردد. تفاوت مهم در فرانسه در این است که علاوه بر نظارت قضایی، امکان جبران خسارت قانونی<sup>۲</sup> برای بازداشت‌های اشتباه یا غیرقانونی به رسمیت شناخته شده است و این سازوکار بازدارنده و حفاظتی برای جلوگیری از نقض حقوق فردی فراهم می‌آورد.

#### ۴-۱- تمایزها و تشابهات مفهوم بازداشت غیرقانونی در نظام حقوقی ایران، ایالات متحده آمریکا و فرانسه

در نظام حقوقی ایران، بازداشت غیرقانونی به معنای توقیف یا محدودکردن آزادی فرد بدون رعایت ضوابط قانونی و دستور قضایی معتبر است و این مفهوم از بازداشت افراد بی‌گناه که شامل کسانی می‌شود که بدون ارتکاب جرم یا با شواهد ناکافی بازداشت شده‌اند، تفکیک می‌شود. به عبارت دیگر، در

غیرمجاز بازداشت موقت توسط نیروهای انتظامی و قضایی نیز ظهور یابد. تفاوت اصلی این تعریف با ایران در این است که در آمریکا، تأکید بر تضمین‌های قانونی، نظارت قضایی مستمر، حق تجدید نظر و امکان استفاده از درخواست بررسی دادگاه به‌عنوان ابزار قانونی برای آزادی از بازداشت غیرقانونی است و این جنبه نظارتی و اجرایی در تعیین غیرقانونی بودن بازداشت بسیار پررنگ‌تر است (Kanovitz, 2014).

همچنین برخلاف رویکرد نظام حقوقی ایران، بازداشت افراد بی‌گناه در آمریکا نوعی از بازداشت غیرقانونی محسوب می‌شود که در آن فرد با ارتکاب جرم مواجه نبوده یا شواهد کافی علیه او وجود ندارد، اما بازداشت براساس سوءتفاهم، خطای قضایی یا اشتباه در ارزیابی شواهد صورت گرفته است. بنابراین مفهوم بازداشت غیرقانونی در ایالات متحده آمریکا ترکیبی از نقض صریح حقوق قانونی و بازداشت افراد بی‌گناه به دلیل نقص شواهد یا خطای قضایی است که تحت نظارت مراجع قضایی و با امکان استفاده از ابزارهای حقوقی مانند Habeas Corpus بررسی می‌شود.

وقتی شخصی بدون میل خود در بازداشت است، حتماً به این معنا نیست که اقدام انجام‌شده علیه او به‌منزله بازداشت غیرقانونی می‌باشد، زیرا ممکن است قانون به شخصی اجازه داده باشد که فرد دیگری را برخلاف میل خودش حبس نموده و محدود نماید. بازداشت‌هایی که با پشتوانه قانونی انجام می‌شود، به‌منزله بازداشت غیرقانونی نیست. به‌عنوان مثال اگر والدین یا سرپرست قانونی کودک با درخواست وی در مورد ترک خانه مخالفت کرده و از آن ممانعت نمایند، این کار آن‌ها به معنای حبس غیرقانونی نیست. همچنین بازداشت غیرقانونی نیاز به عمل عمدی دارد و عمل تصادفی موجب صدق بازداشت غیرقانونی نمی‌شود (Larson, 2017).

#### ۳-۱- در نظام حقوقی فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه، بازداشت غیرقانونی مفهومی است که تنها به توقیف یا محدودکردن آزادی فرد بدون حکم قضایی معتبر اشاره ندارد، بلکه شامل هر اقدام قضایی یا انتظامی است که اصول دادرسی منصفانه، نظارت قضایی و چهارچوب‌های پیش‌بینی‌شده در کد کیفری و تعهدات

<sup>۱</sup>- Juge D`instruction

<sup>۲</sup>- Indemnisation

## ۲- استدلال‌ها و نظریات حقوق‌دانان در مورد شرایط و موارد بازداشت غیرقانونی در نظام‌های حقوقی ایران، ایالات متحده آمریکا و فرانسه

### ۱-۲- در نظام حقوقی ایران

به نظر می‌رسد که استدلال و نظریات حقوقی عمده‌ای که در بین حقوق‌دانان ایرانی در ارتباط با بازداشت غیرقانونی مطرح می‌شود، ناظر بر تعارض برخی از مواد قانونی باشد، به نحوی که استدلال شده است که حکم ماده ۵۷۰ از مواد ۵۷۵ و ۵۸۳ بی‌نیاز کرده، لذا در نگاه نخست ذکر دو ماده اخیر توسط قانون‌گذار به جهت تداخل حکمی و مفهومی، لغو و بی‌مورد بوده و باید به نوعی این تداخل را حل، و جمع میان مواد را توجیه نمود.

وجه تداخل حکم دو ماده آن است که خصوصیت مرتکب در ماده ۵۷۰ «هریک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی» و در ماده ۵۷۵ به خصوصیت مرتکب به عنوان «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذی‌صلاح» اشاره شده است و در ماده ۵۸۳ خصوصیت مرتکب «هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آن‌ها» است. بدیهی است که عبارت غیر آن‌ها شامل افراد عادی است، ولی عبارت مقامات یا مأمورین دولتی داخل در مفهوم مقامات یا مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی موضوع ماده ۵۷۰ است، چون خصوصیت مرتکبین موضوع ماده ۵۷۰ نیز عامتر از خصوصیت مرتکبین موضوع مواد ۵۷۵ و ۵۸۳ است. عبارت نهادها و دستگاه‌های حکومتی از این جهت عام‌تر است که شامل نهادهایی که حکومتی هستند، ولی دولتی نیستند نیز می‌شود مانند نهاد بسیج، بنیادهای معروف به ۱۵ خرداد، مستضعفان، شهید و ایثارگران.

وجه تداخل مفهومی از این جهت است که از جهت عبارت «آزادی شخصی» هم اطلاق حکم ماده ۵۷۰ اقتضای شمول حکم مواد ۵۷۵ و ۵۸۳ را دارد، چون در ماده ۵۸۳ نیز قانون‌گذار مشخصاً به «توقیف یا حبس» به عنوان یکی از

ایران بازداشت غیرقانونی تنها زمانی محقق می‌شود که قانون صراحتاً نقض شده باشد و متهم بدون رعایت چهارچوب‌های قانونی بازداشت گردد، درحالی‌که بازداشت افراد بی‌گناه ممکن است به دلیل نقص شواهد، خطای قضایی یا اشتباه مأموران رخ دهد و لزوماً با نقض مستقیم قانون همراه نباشد.

در ایالات متحده آمریکا، مفهوم بازداشت غیرقانونی و بازداشت افراد بی‌گناه تقریباً یکی هستند و تفاوت جدی میان آن‌ها وجود ندارد. بازداشت غیرقانونی در آمریکا به معنای توقیف فرد بدون دلیل موجه، بدون رعایت متمم‌های چهارم و چهاردهم قانون اساسی و بدون رعایت حق Habeas Corpus است. در این چهارچوب، بازداشت افراد بی‌گناه نیز به عنوان بخشی از بازداشت غیرقانونی در نظر گرفته می‌شود، چراکه تأکید نظام حقوقی آمریکا بر تضمین‌های قانونی و دلیل موجه برای بازداشت است و هیچ تفکیک جداگانه‌ای برای بازداشت به دلیل نقص شواهد یا اشتباه قضایی وجود ندارد.

در نظام حقوقی فرانسه نیز وضعیت مشابه آمریکا است. بازداشت غیرقانونی شامل هرگونه توقیف فرد بدون رعایت قوانین داخلی، کد کیفری و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. بازداشت افراد بی‌گناه نیز در چهارچوب همین تعریف قرار می‌گیرد و تفاوتی میان بازداشت به دلیل نقض قانونی و بازداشت ناشی از خطای شواهد یا اشتباه وجود ندارد. تمرکز در فرانسه بر رعایت چهارچوب‌های قانونی و تعهدات بین‌المللی است و مفهوم بازداشت افراد بی‌گناه به عنوان یک دسته جداگانه تعریف نشده است.

به طور خلاصه، در ایران بازداشت غیرقانونی و بازداشت افراد بی‌گناه به وضوح تفکیک شده‌اند، به طوری که بازداشت افراد بی‌گناه ممکن است حتی بدون نقض مستقیم قانون رخ دهد، درحالی‌که در آمریکا و فرانسه، این دو مفهوم هم‌پوشانی دارند و بازداشت افراد بی‌گناه زیرمجموعه‌ای از بازداشت غیرقانونی محسوب می‌شود. ماهیت مشترک در هر سه نظام، حفظ آزادی فردی و محدودکردن توقیف خودسرانه است، اما نحوه تعریف و تفکیک مفهومی در ایران با دو نظام دیگر تفاوت معناداری دارد.

۱- هرچند از نظر برخی دیگر باتوجه به این که این ماده در قانون مجازات اسلامی با عنوان کلی تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی آمده واژه «غیر آن‌ها» را به شرح مندرج در شرح ماده مذکور ظاهراً باید ناظر به سایر مقامات دولتی دانست (اللهی‌منش و رحیمی، ۱۳۹۴: ۵۶/۱).

حقوق و آزادی‌های فردی مقرر شده است. به‌عنوان مثال هتک حرمت منازل، حکم مزبور اعمال و اجرا می‌شود، اما در سایر موارد ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی قابلیت اجرایی دارد. به‌عنوان مثال قانون‌گذار ماده ۴ قانون مطبوعات مقرر نموده: «هیچ مقامی دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای درصدد فشار برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت ورزد.» قانون مطبوعات برای تضمین اصل آزادی بیان وضع شده است، اما ماده مذکور دارای ضمانت اجرایی نیست. از این‌رو ضمانت اجرایی این ماده تحت لوای ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی قرار می‌گیرد. مثال دیگر این‌که مطابق ماده ۱۶۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در کشور مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ تندخویی، دشنام، ادای الفاظ رکیک یا تنبیه بدنی زندانیان و اعمال تنبیهات خشن و مشقت بار و موهن به‌طور کلی ممنوع است، اما ضمانت اجرایی برای آن مشخص نشده است. بنابراین در مورد این ماده نیز ماده ۵۷۰ قابلیت اجرایی دارد (حجتی، ۱۳۸۴: ۹۲۱).

همان‌طور که اشاره شد، به‌کاررفتن عبارت آزادی‌های شخصی در کنار حقوق مقرر در قانون اساسی در قانون مذکور تنها در صورتی می‌تواند صحیح باشد که مصادیقی از آزادی‌های شخصی وجود داشته باشد که در قانون اساسی به آن توجه نشده باشد، اما با دقت در اصل ۹ قانون اساسی این دیدگاه رد می‌شود، زیرا این اصل، سلب تمامی آزادی‌های مشروع را به‌طور مطلق و اعم از فردی، گروهی یا سیاسی حتی با وضع قانون جایز نمی‌داند. اشکال وارد دیگر بنا به فرض چشم‌پوشی از اشکال نخست این‌که چرا مقنن از میان انواع آزادی تنها به آزادی شخصی توجه داشته و از آزادی‌های گروهی و سیاسی غفلت ورزیده؟ بدیهی است که نمی‌توان این امر را دلیلی بر عدم اهمیت این نوع از آزادی‌ها دانست، چراکه اصول متعدد قانون اساسی به این‌گونه از آزادی نظر داشته و آزادی‌های گروهی و سیاسی از زمره حقوق مقرر در قانون اساسی می‌باشند. باتوجه به آنچه گفته شد، می‌توان چنین برداشت کرد که واژگان در این قسمت به درستی به‌کار گرفته نشده است (مظهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۳).

مصادیق بارز سلب آزادی شخصی و در ماده ۵۷۵ به توقیف و صدور دستور بازداشت نظر دارد، ولی معنی ندارد که قانون‌گذار برای موضوع واحد در مواد متفاوت دو حکم مجزا بیان کند.

به نظر برخی از حقوق‌دانان ماده ۵۷۰ تنها شامل سلب آزادی شخصی نمی‌شود، بلکه سلب هرگونه آزادی که به‌موجب قوانین اساسی به‌عنوان حقوق سیاسی و مدنی برای افراد ملت شناخته‌شده از مصادیق این ماده خواهد بود. در مقام جمع چاره‌ای نیست، جزء آن‌که بگوییم موضوع حکم ماده ۵۷۰ آزادی‌های اساسی است، چون توقیف، حکم خاص خود را دارد و مشمول حکم این ماده نیست و چون هر نظری غیر از این می‌تواند منجر به بیهوده‌انگاشتن حکم مواد ۵۷۵ و ۵۸۳ در مورد افرادی شود که مشمول اطلاق حکم ماده ۵۷۰ قرار می‌گیرند (رحمدل، ۱۳۹۱: ۶۴-۶۳).

اما با این دیدگاه نیز همچنان این اشکال باقی می‌ماند که اگر مقصود از «آزادی شخصی» در ماده ۵۷۰ «هرگونه آزادی که به‌موجب قانون اساسی به‌عنوان حقوق سیاسی و مدنی برای افراد ملت شناخته‌شده» باشد، این معنا در ادامه ماده در واژه «حقوق مقرر در قانون اساسی» آمده، لذا نیازی به ذکر «آزادی شخصی» نبوده و ذکر این عبارت در ماده ۵۷۰ بی‌مورد است، مخصوصاً که نویسنده قائل است مفهوم حقوق مقرر در قانون اساسی به قدری موسع است که شامل مفهوم و مصادیق آزادی‌های اساسی نیز می‌گردد، چون طبیعتاً آزادی یک حق است، حق اقدام یا عدم اقدام. بنابراین سلب این حق یا ملزم کردن فرد به اقدام یا منع وی از اقدام، سلب حق مقرر در قانون اساسی خواهد بود (رحمدل، ۱۳۹۱: ۷۰).

بر همین اساس برخی دیگر از نویسندگان اولاً به‌گونه‌ای دیگر میان ماده ۵۷۰ با سایر مواد را جمع نموده‌اند؛ ثانیاً از توجه به این نکته غفلت نکرده‌اند (مظهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۷). براساس این دیدگاه ماده ۵۷۰ به‌صورت کلی و عام، حقوق و آزادی‌های فردی را مورد تضمین قرار داده، اما دیگر مواد شامل ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰ و ... به‌طور خاص به تضمین حقوق و آزادی‌های فردی که دارای اهمیت به‌سزایی هستند، پرداخته است. از این‌رو باید گفت در هر موضوعی که حکم خاصی از سوی قانون‌گذار برای تضمین

## ۲-۲- در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

در نظام حقوقی ایالات متحده می‌توان هفت نظر اصلی حقوقی در مورد بازداشت غیرقانونی برشمرد: نخست آن که بر پایه متمم چهارم قانون اساسی، بازداشت تنها در صورتی مشروع است که براساس دلایل معقول و مستند انجام گیرد. هر نوع توقیف یا محرومیت از آزادی بدون چنین دلایلی نقض آشکار حق آزادی فردی تلقی می‌شود و حتی اگر مدت بازداشت کوتاه باشد، باز هم غیرقانونی محسوب خواهد شد؛ دومین نظر بر اصل فرایند قانونی تأکید دارد و بیان می‌کند که هیچ بازداشتی مشروع نیست، مگر آن که فرد بازداشت‌شده امکان دسترسی به دادرسی عادلانه داشته باشد. بازداشت طولانی مدت بدون رسیدگی قضایی یا بدون فرصت دفاع از خود، نقض حق بنیادین فرایند قانونی به شمار می‌رود (Gordon, 2016)؛ نظر سوم بر حق هیس کورپوس متمرکز است. طبق این دیدگاه، هر فرد بازداشت‌شده باید بتواند بازداشت خود را نزد یک مرجع قضایی بی‌طرف به چالش بکشد و اگر دولت نتواند دلیل کافی برای ادامه بازداشت ارائه کند، آزادی او باید تضمین شود؛ چهارمین نظر بر ضرورت و تناسب بازداشت تکیه می‌کند. مطابق این دیدگاه، بازداشت باید آخرین چاره باشد و تنها زمانی مجاز است که هیچ راهکار دیگری مانند وثیقه، آزادی تحت نظارت یا ممنوعیت خروج از حوزه قضایی کارآمد نباشد. بنابراین بازداشت بدون ضرورت فوری یا بدون رعایت تناسب، خودسرانه و غیرقانونی محسوب می‌شود (Butler, 2006)؛ پنجمین نظر به بازداشت پیش‌دادرسی مربوط می‌شود. بر این اساس، بازداشت قبل از برگزاری محاکمه تنها هنگامی قابل توجیه است که دلایل کافی علیه متهم وجود داشته باشد. افزون بر این، ادامه بازداشت در طول دادرسی باید همواره مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد تا از تبدیل شدن آن به وسیله‌ای برای اعمال فشار یا اخذ اعتراف جلوگیری شود؛ ششمین نظر ناظر به وضعیت مهاجران و غیرشهروندان است. از منظر این دیدگاه، بازداشت مهاجران نیز باید تابع همان اصول قانون اساسی و دادرسی عادلانه باشد. بازداشت‌های اداری با مدت نامحدود یا سپردن افراد به بازداشتگاه‌های خصوصی، نوعی بی‌مسئولیتی حقوقی

ایجاد می‌کند و خطر بازداشت‌های خودسرانه را افزایش می‌دهد (Gordon, 2016: 2).

سرانجام، هفتمین نظر به مسئولیت و جبران خسارت می‌پردازد. بر پایه این نظریه، هر فردی که به‌طور غیرقانونی بازداشت شده باشد، حق دارد خسارت ناشی از آن را مطالبه کند. مسئولیت ممکن است متوجه مأموران اجراء، دولت یا حتی مؤسسات خصوصی اداره‌کننده بازداشتگاه‌ها باشد. این دیدگاه بر پاسخگویی مقامات و نهادها تأکید می‌کند تا بازداشت غیرقانونی نه تنها شناسایی، بلکه جبران نیز گردد، بدین ترتیب در نظام حقوقی آمریکا، بازداشت غیرقانونی از منظرهای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و مجموعه‌ای از اصول و نظریات به‌وجود آمده که همگی بر لزوم محدودیت و نظارت دقیق بر قدرت دولت در سلب آزادی افراد دلالت دارند.

## ۲-۳- در نظام حقوقی فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه نیز بازداشت غیرقانونی<sup>۱</sup> موضوعی اساسی است و حقوق‌دانان سه نظر عمده و مستدل در این باره مطرح کرده‌اند.

نخست، برخی حقوق‌دانان بر اصل تفکیک میان بازداشت پلیسی و بازداشت قضایی تأکید دارند. براساس این دیدگاه، پلیس تنها می‌تواند برای مدت محدود و مشخص (معمولاً ۲۴ تا ۴۸ ساعت) فرد را در قالب «تحت نظر» نگه دارد و تمدید آن نیز باید تحت کنترل دادستان یا قاضی تحقیق باشد. هرگونه ادامه بازداشت خارج از این چهارچوب، مصداق بازداشت غیرقانونی است. استدلال اصلی این گروه آن است که اختیارات پلیس در بازداشت باید کاملاً محدود شود تا از تبدیل شدن آن به ابزار فشار و نقض آزادی فردی جلوگیری گردد؛ دومین نظر بر کنترل قضایی شدید و نقش قاضی آزادی‌ها و بازداشت‌ها<sup>۲</sup> متمرکز است. مطابق این نظریه، هرگونه بازداشت موقت باید توسط یک قاضی بی‌طرف بررسی و تأیید شود. حقوق‌دانانی که این نظر را می‌پذیرند استدلال می‌کنند که تضمین واقعی حقوق متهم تنها زمانی

1- Détention Arbitraire -Détention Illégale

2- Garde à Vue

3- Juge des Libertés et de la Détention

بازداشت‌های غیرقانونی است. این فصل با ماده ۵۷۰ آغاز می‌گردد که بیان می‌دارد: «هریک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج‌سال از مشاغل دولتی به حبس از دوماه تا سه‌سال محکوم خواهد شد.» در ماده ۵۷۲ در مورد ادامه‌دهندگان این جرم مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی برخلاف قانون حبس شده باشد و درخصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت نمایند که تظلم او را به مقامات ذی‌صلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند، به انفصال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج‌سال محکوم خواهند شد» و در ماده ۵۷۳ در مورد مراجعی که بازداشت شده غیرقانونی را بپذیرند می‌فرماید: «اگر مسؤولین و مأمورین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحیت‌دار، شخصی را به نام زندانی بپذیرند به دوماه تا دوسال حبس محکوم خواهند شد» و در نهایت در ماده ۵۷۵ متذکر می‌گردد: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذی‌صلاح برخلاف قانون توقیف یا بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج‌سال محکوم خواهند شد.» عنصر مادی جرم موضوع این ماده، توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی به صورت غیرقانونی است، بدین ترتیب بازداشتی که از سوی مقام قضایی یا دیگر مأموران ذی‌صلاح که اصولاً صلاحیت توقیف یا بازداشت را دارند، در غیر موارد پیش‌بینی‌شده در قانون به عمل آید، مشمول مقررات و مجازات مندرج در ماده ۵۷۵ خواهد بود. شبیه همین حکم را ماده ۵۸۳ در مورد مأمورین دولتی و نیروهای مسلح چنین وضع نموده است: «هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آن‌ها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون، جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه‌سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

محقق می‌شود که تصمیم درباره بازداشت در اختیار نهادهای مستقل از نهاد تعقیب (دادستان) قرار گیرد. در غیر این صورت خطر بازداشت‌های خودسرانه یا طولانی‌مدت به شدت افزایش خواهد یافت (Anagnostou & Psychogiopoulou, 2010)؛ سومین نظر نگاهی حقوق بشری و اروپایی دارد و معتقد است که نظام حقوقی فرانسه باید بازداشت‌ها را در پرتو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تفسیر کند. براساس ماده ۵ این کنوانسیون، بازداشت تنها در موارد استثنایی و با شرایط سخت‌گیرانه مجاز است و هر فرد بازداشت‌شده حق دارد فوراً نزد دادگاهی مستقل حاضر شود. از این منظر، بازداشت‌های طولانی‌مدت پیش از محاکمه یا بازداشت بدون امکان اعتراض، نه تنها با اصول داخلی، بلکه با تعهدات بین‌المللی فرانسه ناسازگار است. استدلال اصلی این گروه این است که مشروعیت بازداشت تنها در صورت انطباق کامل با معیارهای اروپایی و جهانی حقوق بشر قابل پذیرش است.

### ۳- منابع قانونی حاکم بر بازداشت غیرقانونی در نظام‌های حقوقی ایران، ایالات متحده آمریکا و فرانسه

#### ۱-۲- در نظام حقوقی ایران

##### ۱-۱-۲- قوانین

##### ۱-۱-۱-۲- قانون اساسی

اصل ۳۲ قانون اساسی اختصاص دارد به بازداشت غیرقانونی که این اصل در ضمن بحث از حقوق فرانسه رسیدگی خواهد شد. همان‌طور که اشاره شد، اصل ۱۷۱ قانون اساسی شامل هر دو نوع بازداشت بی‌گناه و غیرقانونی است. اصل مذکور در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنان‌چه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود. برای فهم این ماده باید از دو واژه در آن رمز‌گشایی گردد: قاضی و تقصیر.»

##### ۱-۱-۲-۲- قانون مجازات اسلامی

فصل دهم قانون مجازات اسلامی با عنوان تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی مشتمل بر موادی است که بیان‌کننده احکام

بنابراین بازداشت‌هایی که بر مبنای ظنون غیرمعتبر و ضعیف صورت گیرد و نیز بازداشت‌هایی که نسبت به جرایم غیرمشهود صورت پذیرد، داخل در موارد بازداشت‌های غیرقانونی خواهد بود.

از نکات قابل توجه این قانون، تبصره ۱ ماده ۴۵ است که مقرر داشته: «چنانچه جرایم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲ این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.» از این تبصره می‌توان استفاده کرد که شهروندان عادی نیز در شرایطی حق بازداشت و توقیف متهمین را خواهند داشت. موضوعی که به طور گسترده و مخصوصاً برای گروه‌های ویژه‌ای از شهروندان در ایالات متحده در نظر گرفته شده که به زودی از نظر خواهد گذشت.

ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند، چنانچه دادستان اقدامات انجام‌شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، در این صورت ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند.» چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال ضابطان نمی‌توانند بیش از ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

بر اساس ماده مذکور ضابطین حق ندارند جزء در موردی که جرم مشهود بوده و ضرورت ایجاب می‌کند لغایت ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر نگه دارند و در صورتی که جرم مشهود نبوده یا نگهداری متهم ضرورتی نداشته یا بیش از ۲۴ ساعت متهم

۳-۱-۱-۲- بازداشت غیرقانونی در آیین دادرسی کیفری  
مواد ۴۳ تا ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری در ارتباط با بازداشت غیرقانونی تفسیر می‌گردد.

ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی مقرر می‌دارد: «هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان باتوجه به این گزارش دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می‌کند.»

بر اساس ماده فوق‌الذکر، ضابطین حق ندارند به صرف ظن و تردید و یا با داشتن اطلاعات ناکافی، مظنونی را احضار یا جلب نمایند. بنابراین جلب و احضار در این شرایط به منزله بازداشت غیرقانونی تلقی می‌گردد. این در حالی است که در برخی کشورها مانند ایالات متحده چنین موردی بازداشت غیرقانونی تلقی نشده که در سطور بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند.» ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست‌آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند، ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده ۴۶ این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

بر اساس قسمت اخیر ماده مارالذکر ضابطین با دو شرط مجوز بازداشت مظنون را دارند اولاً باید امارات و قرائن ارتکاب جرم توسط وی قوی باشد؛ ثانیاً جرایم باید از جرایم مشهود باشد.

۲- ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «به جرایم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: ۱- جرایم مجازات سلب حیات؛ ۲- جرایم موجب حبس ابد؛ ۳- جرایم موجب قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دینه کامل یا بیش از آن؛ ۴- جرایم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر؛ ۵- جرایم سیاسی و مطبوعاتی.»

۱- جرایم مشهود در ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری شمرده شده است.

را توقیف نمایند، عمل آن‌ها مصداق بازداشت غیرقانونی خواهد بود.

### ۲-۱-۲- رویه قضایی (دادنامه‌ها و آرای دیوان عالی کشور)

در پرونده به شماره دادنامه ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۹۲۰۰۱۸۷ صادره از شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۴، موضوع بازگرداندن فرد به یک مرکز ترک اعتیاد غیرمجاز مطرح بود. دیوان عالی کشور استدلال کرد که چون این اقدام موجب محرومیت از آزادی و سلب اختیار تردد فرد شده است، عمل ارتكابی مصداق «بازداشت غیرقانونی» است. در این پرونده دیوان میان «کمک به بازگرداندن فرد فراری به مرکز غیرمجاز» و جرم آدم‌ربایی تفکیک قائل شد و صرفاً عنوان توقیف غیرقانونی را قابل انطباق دانست.<sup>۱</sup>

در پرونده به شماره دادنامه ۹۴۰۹۹۷۰۲۶۹۷۰۰۹۳۷ صادره از شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۰۴، موضوع نگهداری شاکي به مدت حدود چهار ساعت در منزل متهم بررسی شد. دیوان استدلال کرد که عناصر قانونی جرم آدم‌ربایی (ربایش به قصد خاص و نگهداری طولانی) در این پرونده وجود ندارد، اما عمل ارتكابی از مصادیق «بازداشت غیرقانونی» است. بنابراین دادگاه بدوی که عمل را آدم‌ربایی تلقی کرده بود، به اشتباه رفته و عنوان مجرمانه به «توقیف غیرقانونی اشخاص» اصلاح شد.<sup>۲</sup>

در پرونده به شماره دادنامه ۹۴۰۹۹۸۲۳۱۲۹۰۰۳۲۱ صادره از شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۱، موضوع بستن جاده و ایجاد مانع برای عبور و مرور مورد بررسی قرار گرفت. دیوان در استدلال خود اعلام کرد که برای تحقق جرم بازداشت غیرقانونی باید «محرومیت واقعی از آزادی فرد» به‌وجود آید و صرف ایجاد مانعی که منجر به انسداد کامل یا سلب آزادی تردد نشود، مصداق بازداشت غیرقانونی محسوب نمی‌گردد، در نتیجه اتهام متهمان در این پرونده منتفی اعلام شد.<sup>۳</sup>

## ۲-۲- در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

### ۲-۲-۱- در قوانین

بسیاری از حوزه‌های قضایی در ایالات متحده، «امتیاز مغازه‌دار» را به رسمیت می‌شناسند که براساس این حق به مغازه‌دار اجازه داده می‌شود، شخص مشکوک را برای مدت معقولی در مغازه بازداشت نماید، درحالی‌که صاحب مغازه بر این باور بوده که بازداشت شده مرتکب سرقت از اموال فروشگاه شده یا سعی در ارتكاب آن داشته است. هدف از امتیاز مغازه‌دار این است که کشف شود آیا مظنون اقدام به خرید از مغازه می‌کند و در این صورت آیا کالای مغازه‌دار قابل بازپس‌گیری است یا خیر (LeRoy Miller, 2011).

این امتیاز باتوجه به نیاز واقعی برای محافظت از مغازه‌داران در معاملات خود با مشتریان مظنون در فروشگاه توجیه شده است، در صورت عدم چنین امتیازی یک مغازه‌دار با این معضل روبه‌رو خواهد شد که یا به مظنونان اجازه دهد بدون اعتراض به آنجا بروند یا به ظن خود عمل کند و ریسک دستگیری غیرقانونی را بپذیرد.

لازم به‌ذکر است صاحب مغازه با شرایط ذیل می‌تواند مشتری را بازداشت نماید:

۱- تحقیقات را در محل فروشگاه یا بلافاصله در نزدیکی محل انجام دهد؛

۲- دلیل منطقی داشته باشد که شخص بازداشت‌شده اقدام به خرید از مغازه کرده است؛

۳- از نیروی معقولی (که بیش از حد نباشد) برای بازداشت مظنون استفاده نماید؛

۴- زمان بازداشت، طولانی‌تر از مدت معقول برای جمع‌آوری اطلاعات نباشد (U.S Legal Service, 2015).

در ایالات متحده افسران پلیس و سایر مقامات دولتی، مسؤولیت محرومیت (مردم) از حقوق را به‌عهده دارند، اما تا حدی از طریق دادرسی از دادخواست‌های مربوط به بازداشت‌های غیرقانونی مصون مانده و محافظت می‌شوند. وقتی چنین تخلفی براساس نظر دادگاه دیوان عالی ایالات

1- <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/23083>.

2- <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/23776>.

3- <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/30091>.

متحده روشن و محرز نباشد ( U.S Supreme Court Rule )  
(on Harlow v. Fitzgerald, 1982).

این دکترین می‌تواند مقامات را از مسؤلیت در هنگام کار در مناطق خاکستری، از جمله صلاحیت انجام اقدامات در بازداشت مظنونان محافظت کند. با این حال اقدامات افسران پلیس نباید قانون وضع شده را نقض نماید یا این حمایت را از اعتبار ساقط کند و مواردی چون اشتباه در مصداق هویت شخص بازداشت شده، همچنین اظهارات دروغ کارمندان دولت برای توجیه یا پوشاندن دستگیری غیرقانونی از موارد نقض قانون فدرال می‌باشد.

نمونه‌ای از این دکترین مورد سورال و مک گوریل « Sorrell v. McGurigan » است. یک افسر پلیس مردی را که در مرکز خریدی مشغول خرید بود، براساس توضیحات مظنونی که در یک فروشگاه سرقت کرده بود، دستگیر کرد و به جستجوی روتین برای یافتن اسلحه پرداخت. صاحب فروشگاه که خبر سرقت را داده بود، وارد صحنه شد و اظهار داشت سورل و دوستانش کسانی نبودند که از او دزدی کرده‌اند، با این حال مأمور باز هم سورل را به دلیل داشتن سلاح پنهان دستگیر کرد، زیرا او یک چاقوی تاشو را با تیغه ۳ اینچی بلند در جیب خود حمل می‌کرد. در مریلند چاقوهای تاشوی غیراتوماتیک طبق قانون ایالتی سلاح محسوب نمی‌شوند و عدم محدودیت طول آن‌ها چندین بار در بالاترین دادگاه ایالتی تأکید شده است. با این حال افسر به غلط اعتقاد داشت که چاقو سلاح است. سورل بلافاصله پس از بازداشت، آزاد شد و هیچ‌گاه محاکمه نشد، زیرا جرم وی از نظر فنی ثابت نشده بود و افسر پلیس توسط وی متهم به بازداشت غیرقانونی شد و این افسر از مصونیت قضایی توسط دادگاه محروم شد و این تصمیم در دادگاه تجدید نظر آمریکا نیز تأیید شد.

در پرونده مشابهی در لوئیزیانا در ایالات متحده یک داروساز و داروخانه متهم به بازداشت غیرقانونی شدند. این داروساز

نسبت به این که پزشک دارو را به بیمار تجویز کرده باشد، مشکوک بود، لذا بدون این که به بیمار اطلاع دهد وقت را تلف کرد تا پلیس برسد، وقتی پلیس رسید بیمار را دستگیر کرد. زمانی که بیمار در بازداشت بود، پزشک اعتبار نسخه بیمار را تأیید کرد و به پلیس اظهار داشت که نسخه را برای همین بیمار پیچیده است. بعد از این حادثه بیمار از داروخانه و کارکنان آن شکایت کرد و ۲۰ هزار دلار خسارت دریافت کرد، اما دادگاه تجدید نظر حکم را برگرداند، زیرا معتقد بود عناصر غیرقانونی در این مورد رعایت نشده است (Simonsmeier, 2017).

در توضیح تفاوت میان دو مثال ذکر شده، باید گفت طبق قوانین ایالات متحده افسران پلیس (و سایر افرادی که مجوز یا صلاحیت بازداشت کردن را داشته باشند) حق دارند افراد را براساس این احتمال که فرد مرتکب جرم شده و در آن دخیل بوده یا براساس ظن منطقی مبنی بر این که فرد در یک فعالیت مجرمانه درگیر خواهد شد، بازداشت کنند، لذا مدعی بازداشت غیرقانونی برای اثبات غیرقانونی بودن بازداشت خود باید سه عنصر ذیل را اثبات نماید:

- ۱- در محدود کردن او در مکانی تعمد داشته است؛
- ۲- عمل وی بدون رضایت بازداشت شده بوده؛
- ۳- بازداشت بدون مجوز و صلاحیت قانونی بوده است.

با امعان نظر در دو مثال مذکور روشن می‌شود مثال نخست فاقد عنصر سوم و مثال اخیر واجد عنصر سوم بوده است (Eryilmaz, 2021).

## ۲-۲-۲- رویه قضایی (دادنامه‌ها و تصمیمات دیوان عالی فدرال)

در ایالات متحده آمریکا رویه قضایی دیوان عالی فدرال بارها به موضوع بازداشت غیرقانونی پرداخته است و هر رأی در قالب اختلاف میان اشخاص حقیقی یا دولت‌ها صادر شده است. برای نمونه، در پرونده Gerstein v. Pugh<sup>۳</sup> که در سال ۱۹۷۵ مطرح شد، اختلاف میان چند فرد بازداشت شده در

<sup>۱</sup>- 18 U.S. Code 1001 Statement or Entries Generally.

<sup>۲</sup>- Sorrell v. Mc Guigan. United State Court of Appeals for the fourth Circuit Retrieved 2008.07.22.

<sup>۳</sup>- <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/420/103>.

علیه مقامات شهرستان ریورساید اقامه دعوا کردند. دیوان عالی در این رأی تأکید کرد که بررسی قضایی دلایل بازداشت باید در یک بازه زمانی کوتاه - معمولاً ظرف ۴۸ ساعت - انجام گیرد. هرگونه بازداشت طولانی بدون این نظارت، غیرقانونی است. ارتباط این رأی با بازداشت غیرقانونی روشن است، زیرا معیار زمانی مشخصی برای تشخیص بازداشت خودسرانه تعیین شد.

سرانجام در پرونده Ashcroft v. al-Kidd<sup>۴</sup> که در سال ۲۰۱۱ بررسی شد، فردی به نام ال‌کید علیه جان اشکروفت دادستان کل وقت ایالات متحده اقامه دعوا کرد و مدعی شد که بازداشت او به بهانه استفاده از قانون شهود مادی، در واقع بازداشت غیرقانونی بوده است. شعبه دیوان عالی فدرال رأی داد که مقامات عالی‌رتبه دولتی در برابر دعوی مدنی ناشی از بازداشت غیرقانونی دارای مصونیت هستند، اما در عین حال تأکید کرد که استفاده ابزاری از قوانین برای توجیه بازداشت می‌تواند از لحاظ حقوق اساسی مشکل‌زا باشد. موضوع این رأی به‌طور غیرمستقیم با بازداشت غیرقانونی ارتباط داشت، زیرا حدود مسؤولیت دولت فدرال و مقامات آن را در برابر چنین دعوی مشخص کرد.

### ۳-۲- در نظام حقوقی فرانسه<sup>۲</sup>

#### ۳-۳-۱- در قوانین

قانون اساسی فرانسه در اصل ۶۶ خود و در عبارتی کوتاه به موضوع بازداشت بدون دلیل افراد اشاره کرده و مقرر می‌دارد: هیچ‌کس را نمی‌توان بدون دلیل توقیف نمود. قوه قضاییه که حافظ آزادی افراد است، به‌موجب قانون مسؤول اجرای این اصل می‌باشد. همان‌طور که پیدا است، قانون اساسی فرانسه از واژه توقیف استفاده کرده که به‌معنای بازداشت است. بنابراین قانون اساسی فرانسه پیرامون دستگیری غیرقانونی یا بدون دلیل افراد، مطلبی عنوان ننموده است. این درحالی است که در اصل ۳۲ قانون اساسی ایران، به‌صراحت ممنوعیت دستگیر نمودن افراد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند، بیان شده است. از سوی دیگر اصل ۶۶ قانون اساسی فرانسه، قوه قضاییه را ضامن اجرای این اصل می‌داند که

ایالت فلوریدا با مقامات محلی بود. شعبه دیوان عالی فدرال با استدلال به این نتیجه رسید که نگهداری افراد در بازداشت بدون آن که یک مقام قضایی بی‌طرف دلایل معقول بازداشت را بررسی کرده باشد، ناقض متمم چهارم قانون اساسی است. ارتباط این رأی با بازداشت غیرقانونی در آن بود که دیوان عالی تأکید کرد بازداشت تنها زمانی مشروع است که به‌سرعت تحت نظارت قضایی قرار گیرد، وگرنه ماهیت غیرقانونی پیدا می‌کند.

پرونده دیگری که اهمیت بسیاری داشت Dunaway v. New York بود که در سال ۱۹۷۹ به صدور رأی انجامید. در این دعوا، یک فرد بازداشت‌شده با مقامات پلیس نیویورک درگیر اختلاف شد. پلیس او را بدون دلایل کافی و بدون حکم قضایی دستگیر کرده و به بازجویی برده بود. شعبه دیوان عالی فدرال این اقدام را مغایر با متمم چهارم دانست و اعلام کرد که بازداشت بدون دلیل موجه، حتی اگر به قصد تحقیق و بازجویی باشد، غیرقانونی است. موضوع این رأی به‌طور مستقیم بر مفهوم بازداشت غیرقانونی اثر گذاشت، زیرا دیوان عالی مرز روشنی میان تحقیقات مشروع پلیس و توقیف غیرقانونی افراد ترسیم کرد.

نمونه سوم در پرونده Manuel v. City of Joliet در سال ۲۰۱۷ شکل گرفت. در این پرونده، مانوئل که توسط پلیس شهر جولیت بازداشت شده بود، ادعا کرد که دلایل ارائه‌شده برای بازداشتش جعلی و بی‌اعتبار بوده است. شعبه دیوان عالی فدرال این دعوا را میان او و مقامات شهری رسیدگی کرد و رأی داد که حتی بازداشت پیش از محاکمه هم باید با معیارهای متمم چهارم تطبیق داشته باشد. اهمیت این رأی در آن بود که دیوان عالی تصریح کرد بازداشت غیرقانونی نه‌تنها در لحظه دستگیری، بلکه در کل دوره پیش از محاکمه نیز می‌تواند رخ دهد و قابل اعتراض است.

در پرونده County of Riverside v. McLaughlin در سال ۱۹۹۱ رسیدگی شد، گروهی از افراد بازداشت‌شده

1- <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/442/200>.

2- [https://www.supremecourt.gov/opinions/16pdf/14-9496\\_8njq.pdf](https://www.supremecourt.gov/opinions/16pdf/14-9496_8njq.pdf).

3- <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/500/44>.

4- <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/563/731>.

یا اقدام لازم جهت رهاشدن وی به‌عمل آورد، در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج‌روز توقیف نکرده باشد، مجازات او حبس از دو تا شش‌ماه خواهد بود.»

همچنین در قانون فرانسه برای پیشگیری از وقوع جرم و تشویق به جلوگیری از آن در ماده ۱-۵-۲۲۴ مقرر می‌دارد: «هرکس شروع به ارتکاب جنایت پیش‌بینی‌شده در مبحث کنونی نماید، اگر مقام اداری یا قضایی را آگاه سازد، به‌گونه‌ای که اجازه اجتناب از ارتکاب جرم یا در صورت مقتضی شناسایی مباشران یا معاونان جرم را بدهد، از مجازات معاف می‌شود.»

عوامل تشدید جرم مجازات غیرقانونی در حقوق فرانسه نیز عبارتند از:

- ۱- در صورت ورود قطع عضو، نقص دائم، شکنجه یا رفتارهای وحشیانه نسبت به بازداشت‌شده (ماده ۲-۲۲۴)؛
- ۲- در صورتی که بازداشت به‌صورت سازمان‌یافته یا نسبت به چند شخص واقع شود (ماده ۳-۲۲۴)؛
- ۳- اگر شخص بازداشت‌شده به‌عنوان گروگان به‌ویژه در مقابل یک باج نگهداری شود (ماده ۴-۲۲۴)؛
- ۴- در صورتی که شخص بازداشت‌شده کودک زیر ۱۵ سال باشد (ماده ۵-۲۲۴).

در مقابل مواد فوق در قانون فرانسه، در ماده ۵۸۷ قانون مجازات ایران چنین آمده است: «چنانچه مرتکب جرایم مواد قبل، توقیف‌شده یا محبوس‌شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشند، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به یک تا پنج‌سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.»

قانون مربوط به اصل برائت کیفری مصوب سال ۲۰۰۰ راه را برای جبران خسارت وارده به محکومینی که بیگانه‌شان به اثبات رسیده، هموار کرده است و هماهنگ با آیین دادرسی کیفری، راهکارهایی را جهت جبران تمام خسارات مادی و معنوی وارده به‌جهت صدور قرار بازداشت موقت ناموجه تعیین کرده است. این حق جبران خسارت مشمول کسانی که برای فراری دادن مجرمین اصلی خود را متهم نشان داده و یا در

تقریباً مشابه با قسمت انتهایی اصل ۳۲ قانون اساسی ایران است که ضمانت اجرای اصل مذکور را بیان می‌کند. همچنین اصل ۶۶ قانون اساسی فرانسه به مواردی چون لزوم ابلاغ فوری و کتبی موضوع اتهام به متهم و مقرر نمودن مهلت حداکثر ۲۴ ساعته جهت تشکیل پرونده مقدماتی و ارسال آن به یکی از مراجع صالحه قضایی اشاره‌ای ننموده است و حال این که اصل ۳۲ قانون اساسی ایران به موارد مزبور پرداخته است (تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۷-۳۶).

در قانون مجازات فرانسه مبحث نخست از فصل چهارم از کتاب دوم این قانون به موضوع آدم‌ربایی و توقیف غیرقانونی اختصاص پیدا کرده است. ماده ۱-۲۲۴ این قانون مقرر می‌دارد: «بدون دستور مقام رسمی و جزء در موارد پیش‌بینی‌شده به‌موجب قانون، اقدام به بازداشت، آدم‌ربایی، نگهداری یا حبس غیرقانونی افراد، مستوجب ۲۰ سال حبس جنایی با کار است.» در ادامه اضافه می‌کند: «دو شق نخست ماده ۲۳-۱۳۲ در خصوص مدت زمان تأمین نسبت به این جرم قابل تسری است.» با این همه اگر شخص بازداشت‌شده یا محبوس به‌طور اختیاری پیش از روز هفتم از تاریخ توقیفش آزاد شود، جزء در موارد پیش‌بینی‌شده به‌موجب ماده ۲-۲۲۴ مرتکب مستوجب پنج‌سال کیفر حبس جنحه‌ای و ۷۵ هزار یورو جزای نقدی است (گودرزی و مقدادی، ۱۳۹۵: ۲۱۷).

در مقابل قسمت اخیر ماده فوق در قانون جزای فرانسه، در ماده ۵۸۵ قانون مجازات ایران چنین آمده است: «اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود، شخص توقیف‌شده را رها کند

۱- ماده ۲۳-۱۳۲: «در صورت محکومیت به یک کیفر سالب آزادی ناسازگار با تعلیق که دوره آن برابر یا بیش از ده‌سال بوده و - به‌ویژه نسبت به جرایم پیش‌بینی‌شده - به‌موجب قانون صادر شده است، محکوم نمی‌تواند در طی مدت زمان تأمین از مفاد مربوط به تعلیق یا تقسیم کیفر، جایگزینی در خارج از مؤسسه کیفری، مجوزهای خروج، رژیم نیمه‌آزادی و آزادی مشروط بهره‌مند شود. دوره مدت زمان تأمین به اندازه نصف کیفر است یا اگر موضوع محکومیت، حبس جنایی با کار به‌طور دائم باشد، ۱۸ سال است.» با این همه دیوان جنایی یا دادگاه می‌تواند با تصمیمی خاص خواه این دوره را به دوسوم کیفر یا در صورتی که موضوع، محکومیت به حبس جنایی با کار باشد، به ۲۲ سال و خواه با تصمیم به کاهش این دوران اتخاذ نماید. در دیگر موارد هنگامی که دادگاه یک کیفر سلب آزادی به دوره‌ای بیش از ۵ سال تحمیل می‌کند که ناسازگار با تعلیق مجازات است، می‌تواند دوران تأمین را در طی مدتی که با آن محکوم، از هیچ‌گونه شیوه اجرای کیفر ذکرشده در شق نخست بهره‌مند گردد، تعیین نماید (گودرزی و مقدادی، ۱۳۹۵: ۹۸-۹۷).

بررسی تطبیقی قوانین و رویه قضایی در سه نظام حقوقی ایران، فرانسه و ایالات متحده نشان می‌دهد که هر نظام با رویکرد حقوقی متفاوتی نسبت به شرایط و موارد بازداشت غیرقانونی عمل می‌کند. در ایران، بازداشت غیرقانونی عمدتاً براساس نقض تشریفات قانونی مانند فقدان دستور مقام قضایی یا تجاوز به محدودیت‌های زمانی شناسایی می‌شود و مقررات قانونی، اعم از قانون اساسی و مواد آیین دادرسی کیفری، امکان جبران خسارت را برای افراد بازداشت‌شده پیش‌بینی کرده‌اند. در فرانسه، رویکرد دیوان عالی کشور بر ضرورت دلایل کافی و رعایت دقیق تشریفات قضایی متمرکز است و هرگونه بازداشت بدون پایه قانونی یا طولانی‌شدن زمان بازداشت بدون مجوز قضایی، به‌عنوان بازداشت غیرقانونی محسوب می‌شود و فرد حق مطالبه جبران خسارت دارد. در ایالات متحده، معیارهای مشروعیت بازداشت پیش‌دادرسی به‌صورت دقیق توسط دیوان عالی فدرال تعیین شده و شامل بررسی فوری دلایل بازداشت، محدودیت زمانی و نظارت قضایی مستمر است؛ بازداشت بدون دلیل موجه یا بدون دستور مرجع قضایی، نقض متمم چهارم قانون اساسی محسوب می‌شود و آثار حقوقی قابل توجهی دارد.

به‌طور کلی، این تحلیل نشان می‌دهد درحالی‌که هر سه نظام حقوقی به بازداشت غیرقانونی توجه دارند، تفاوت اصلی در نحوه تبیین شرایط مشروعیت بازداشت، نوع نظارت قضایی و ضمانت اجرای حقوقی است. در ایران، تمرکز بر رعایت دستور قضایی و محدودیت‌های زمانی است؛ در فرانسه، اهمیت به وجود دلایل کافی و رعایت تشریفات دقیق قانونی داده می‌شود و در ایالات متحده، تأکید بر نظارت قضایی فوری و مداوم و الزام به دلیل موجه برای بازداشت است. این تمایزها، اهمیت شناخت دقیق چهارچوب‌های حقوقی و ضمانت اجرای آن‌ها را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که هر نظام حقوقی بسته به ساختار و فلسفه حقوقی خود، راهکارهای متفاوتی برای جلوگیری از بازداشت غیرقانونی اتخاذ کرده است.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

معرض اتهام قرار می‌دهند، نمی‌شود. جبران خسارت پس از صدور رأی توسط رییس شعبه ۱ دادگاه تجدید نظر ممکن خواهد بود. این حکم در صورت عدم مخالفت خواهان نسبت به انتشار مذاکرات پس از یک دادرسی توافقی و علنی صادر خواهد شد (عمرانی، ۱۳۸۸: ۳۷).

## ۲-۳-۲- در رویه قضایی فرانسه (دادنامه‌ها و تصمیمات دیوان عالی کشور فرانسه)

در ارتباط با رویه قضایی فرانسه باید گفت که در پرونده‌ای که در تاریخ ۵ ژوئیه ۲۰۱۲ توسط شعبه اول مدنی دیوان عالی کشور فرانسه صادر شد، موضوع بررسی مشروعیت بازداشت افراد خارجی فاقد مدارک اقامتی مطرح بود. دیوان عالی کشور در این رأی اعلام کرد که بازداشت تنها براساس وضعیت اقامتی غیرقانونی فرد، بدون ارتکاب جرم، مغایر با اصول حقوقی است و چنین بازداشتی غیرقانونی محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

در پرونده‌ای دیگر که در ۷ فوریه ۲۰۱۸ توسط شعبه اول مدنی دیوان عالی کشور رسیدگی شد، موضوع بررسی شرایط قانونی بازداشت یک فرد خارجی در وضعیت اقامت غیرقانونی مطرح بود. دیوان عالی کشور در این رأی تأکید کرد که بازداشت چنین فردی تنها در صورتی مشروع است که دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود داشته باشد و صرف وضعیت اقامتی غیرقانونی به‌تنهایی نمی‌تواند مبنای قانونی برای بازداشت باشد.<sup>۲</sup>

در پرونده‌ای که در ۶ مارس ۲۰۲۴ توسط شعبه جنایی دیوان عالی کشور صادر شد، موضوع بررسی صحت و سقم اطلاع‌رسانی به دادستان کل در مورد بازداشت یک فرد مطرح بود. دیوان عالی کشور در این رأی اعلام کرد که عدم ذکر دقیق زمان اطلاع‌رسانی به دادستان کل در صورت جلسه بازداشت، موجب بی‌اعتباری بازداشت و نقض حقوق فرد بازداشت‌شده می‌شود.<sup>۳</sup>

## نتیجه‌گیری

<sup>۱</sup>- <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000007069184>.

<sup>۲</sup>- <https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000007069184>.

<sup>۳</sup>-

<https://www.courdecassation.fr/decision/65e81610a743ca0008c68d03>.

- مظهری، محمد؛ جنگجوی (خراطا)، فرزاد و ناصری، علی‌رضا (۱۳۹۴). «تحلیلی بر تعدیات مأمورین دولتی از حدود اعمال قدرت رسمی موضوع ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی». فصلنامه حقوق اداری، ۲(۷): ۳۳-۵۶.

- وطن دوست، ایمان (۱۳۹۹). *بازداشت موقت در نظام کیفری*. تهران: انتشارات قانون یار.

#### ب. منابع انگلیسی

- Anagnostou, D and Psychogiopoulou, E (2010). *The European Court of Human Rights and the Rights of Marginalised Individuals and Minorities in National Context*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers.

- Butler, J (2006). *Precarious Life: The Powers of Mourning and Violence*. London: Verso Publication.

- Charret-Del Bove, m & Murlon, F (2014). *Pre-trial Detention in 20th and 21st Century Common Law and Civil Law Systems*. Newcastle upon Tyne: Cambridge Scholars Publishing.

- Eryilmaz, B (2021). *Arrest and Detention Powers in English and Turkish Law and Practice in the Light of the European Convention on Human Rights*. Leiden: Brill Publication.

- Gordon, R (2016). *American Nuremberg: The U.S. Officials Who Should Stand Trial for Post-9/11 War Crimes*. Hot Books Publication.

- Kanovitz, J (2014). *Constitutional Law*. Abingdon: Taylor and Francis Publication.

- Kanovitz, J; Ingram, F & Devine, C (2024). *Constitutional Law for Criminal Justice*. Abingdon: Taylor and Francis Publication.

- Larson, A (2017). *False Imprisonment and Unlawful Detention Expert Law*.

- LeRoy Miller, R (2011). *Business Law Today: The Essentials*. Massachusetts: South Western Cengage Learning.

- Peers, S (2016). *EU Justice and Home Affairs Law*. Oxford: Oxford University Press.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله به صورت انفرادی انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

#### منابع و مأخذ

##### الف. منابع فارسی

- الهی منش، محمدرضا و رحیمی، محمدمهدی (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- تقی‌زاده، احمد (۱۳۹۵). *سلسله‌جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس (بررسی اصل سی‌ودوم)*. ناظر علمی مهدی ابراهیمی، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

- حجتی، سیدمهدی (۱۳۸۴). *قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی*. تهران: انتشارات میثاق عدالت.

- رحمدل، منصور (۱۳۹۱). «حمایت کیفری از حقوق ملت». فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۵(۱۸): ۸۴-۵۹.

- عمرانی، سلمان (۱۳۸۸). «بازداشت موقت و حقوق شهروندی در اروپا». *مجله دادنامه*، ۳: ۳۳-۳۹.

- کرامت، قاسم (۱۳۹۸). *بازداشت و بازداشتگاه*. تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).

- گل محمدی تولابی، محسن (۱۴۰۱). *بازداشت غیرقانونی و آثار و پیامدهای آن در حقوق کیفری*. مازندران: انتشارات جهاد دانشگاهی مازندران.

- گودرزی بروجردی، محمدرضا و مقدادی، لیلا (۱۳۹۵). *درآمدی بر قانون مجازات فرانسه*. چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

- Simonsmeier, LM (2017). *False Imprisonment Alleged when Patient detained with Suspicious Rx. Pharmacy Times*. Archived from the Original on 2017.11.07.
- Sorrell v. Mc Guigan (2008). United State Court of Appeals for the fourth Circuit Retrieved.
- U.S Legal Service (2015). *Shopkeepers Privilege Law & Legal Definition*. US Legel. Archived from the original on 2015.
- U.S Supreme Court, Harlow v. Fitzgerald, 457 U.S. 800. (1982).
- U.S. Code 1001 statement or entries generally.